

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ساختار قدرت در خانواده

شناسایی انواع ساختار قدرت در خانواده‌های ایرانی

سید بیوک محمدی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، ۱۳۹۵



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، صندوق پستی ۶۴۱۹-۱۴۱۵۵، تلفن: ۳-۸۱۰۴۶۸۹۱، فکس: ۸۸۰۳۶۳۱۷

ساختار قدرت در خانواده

شناسایی انواع ساختار قدرت در خانواده‌های ایرانی

مؤلف: سید بیوک محمدی

مدیر انتشارات: ناصر زعفرانچی

صفحه‌آرایی و اجرا جلد: فرزانه صادقیان

مسئول فنی: عرفان بهاردوست

ناظر چاپ: مجید اسماعیلی زارع

چاپ اول: ۱۳۹۵

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: تفرید

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

سرشناسه: محمدی، بیوک، ۱۳۲۶ -

عنوان و نام پدیدآور: ساختار قدرت در خانواده: شناسایی انواع ساختار قدرت در خانواده‌های ایرانی / سیدبیوک محمدی.

مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۴

مشخصات ظاهری: ف، ۱۸۸ص.

شابک: 978-964-426-842-7

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

موضوع: خانواده‌ها — ایران

شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رده بندی کنگره: ۱۳۹۴ ۲س۳/۴/۶۶۶HQ

رده بندی دیویی: ۳۰۶/۸۵۰۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۳۹۷۵۶۷۸

فهرست مطالب

۷	مقدمه
۹	نیاز به شناخت ساختار قدرت در خانواده در ایران
۱۱	اهداف تحقیق و ضرورت تحقیق
۱۲	روش تحقیق: روش گردآوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل آنها
۱۴	سازماندهی مطالب و ارائه یافته‌ها
۱۵	قدردانی
۱۶	فصل اول: قدرت، و نقش آن در خانواده (ملاحظات نظری)
۱۶	درآمد
۱۷	۱. قدرت؛ تعریف، انواع، ابعاد و کارکرد آن
۱۹	قدرت در روابط میان فردی
۲۵	۲. قدرت در خانواده
۲۵	دگرگونی اجتماعی و خانواده
۳۰	منابع قدرت در خانواده
۳۵	روند قدرت
۴۱	طبقه‌بندی‌ها و سنخ‌شناسی‌ها
۴۴	۳. قدرت در خانواده‌های ایرانی
۴۴	تغییر نقش جنسیت در ایران و اثرات آن بر خانواده
۴۷	عوامل مؤثر در ساختار قدرت خانواده‌های ایرانی
۵۲	خلاصه بررسی متون

و ساختار قدرت در خانواده

فصل دوم: در جستجوی ساختار قدرت (ملاحظات روش‌شناختی)	۵۴
درآمد	۵۴
تأملاتی در پژوهش‌های پیشین	۵۵
روند تحقیق	۵۶
سنخ‌شناسی ساختارهای قدرت	۶۰
مؤلفه‌های شناسایی سنخ‌های ساختار قدرت	۶۱
سنخ‌های ساختار قدرت	۶۵
شاخص‌سازی، مفهوم پردازی و مقوله پردازی	۶۶
خلاصه و نمودار روند تحقیق	۸۲
عوامل شناسایی و کنترل	۸۴
جمع‌بندی و خلاصه	۸۵
فصل سوم: ساختارهای قدرت در خانواده (ساختار سلطه‌گرایانه)	۸۷
درآمد	۸۷
ویژگی‌های ساختار سلطه‌گرایانه	۸۸
الف: سلطه‌گرایی مواجه با مقاومت منفعلانه	۹۰
ب: سلطه‌گرایی مواجه با مقاومت فعالانه	۱۰۱
ج: مبارزه جهت استقرار سلطه، (شرایط متشنج)	۱۰۸
جمع‌بندی و خلاصه	۱۲۰
فصل چهارم: ساختار صمیمی، مشروع و در حال انتقال	۱۲۳
درآمد	۱۲۳
۱. ساختار صمیمانه	۱۳۴
ویژگی‌های ساختار صمیمانه	۱۳۴
۲. ساختار مشروع	۱۳۴
شرایط بینابین و در حال انتقال	۱۴۳
لزوم توجه به تغییر	۱۵۱
جمع‌بندی و خلاصه	۱۵۲
فصل پنجم: تجزیه و تحلیل (در سطوح کلان، میانی و خرد)	۱۵۴
درآمد	۱۵۴
۱. روندهای اجتماعی	۱۵۴
۲. خانواده حامل فرهنگ	۱۶۰

فهرست مطالب ز

۱۶۴	 ۳. خانواده، جایگاه تعامل اجتماعی
۱۶۹	 ۴. ویژگی‌های شخصیتی
۱۷۰	 ۱. روانکاوی
۱۷۴	 ۲. روان‌شناسی اجتماعی
۱۸۲	 تلخیص یافته‌ها در یک مدل نظری
۱۸۴	 جمع‌بندی و خلاصه
۱۸۵	 جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۱۹۴	 کتابنامه

مقدمه

از زمانی که انقلاب صنعتی در اروپا رخ داد و به اصطلاح عصر جدید آغاز شد، تقریباً تمامی نهادها و ابعاد زندگی اجتماعی جوامع دستخوش تغییر گردید. خانواده نیز از این قاعده مستثنی نبود. تعمق و تحقیق درباره تأثیر تغییرات اجتماعی بر خانواده از همان اوان، پیوسته دلمشغولی متفکران اجتماعی به ویژه جامعه‌شناسان خانواده بوده است. یکی از اثرات قابل ملاحظه این دگرگونی‌های کلان اجتماعی، تغییر در نقش جنسیت بوده است. نقش‌هایی که مردان و زنان به طور سنتی ایفا می‌کردند، دچار تحول شد. به دیگر سخن، قاعده کلی که مردان را به عنوان نان‌آورخانه و کسی که علی‌الاصول در بیرون خانه فعالیت می‌کنند و زنان را به عنوان خانه دار، بچه‌دار و شوهردار تلقی می‌کرد، دگرگونی کلی یافت.

شایان ذکر است که نقش زنان به مراتب بیش از نقش مردان دچار تغییر شد، تا آنجا که تغییر نقش جنسیت با تغییر نوع فعالیت و وظایف زن در جامعه مترادف شمرده شد. زیرا با فرا رسیدن تحول بزرگ، نوع فعالیت‌های مردان کمتر و فعالیت‌های زنان به طور کیفی به مراتب بیشتر دگرگونی یافت.

در جوامع سنتی غیر اروپایی (که نقش‌چندانی در ایجاد انقلاب صنعتی نداشتند و عمدتاً تأثیرپذیرهایی منفعل بودند) تأثیر این تغییرات در خانواده چشمگیرتر و منشاء تنش‌های فراوان‌تری بوده است. روابط زن و مرد در این جوامع سنتی با ظهور تجدد (Modernism) مورد مناقشه فراوان قرار گرفته است. پوشش زنان، برخورداری آنها از تحصیل، کار کردن آنان در کنار مردان در خارج از خانه و کار کردن مردان در خانه در کنار زنانشان، پیوسته مورد تنش و تعارض بسیار قرار گرفته است.

ی ساختار قدرت در خانواده

به دنبال این دگرگونی‌های مناقشه برانگیز، ویژگی‌های زندگی خانوادگی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. داده‌های گردآوری شده در جوامع پیشرفته صنعتی و همچنین شواهد موجود در سایر نقاط دنیا حاکی از این است که زندگی مشترک بر اثر این تغییرات در معرض بحران‌هایی جدی قرار گرفت.

در زمینه قدرت، تغییر عمده‌ای که در جریان این تحولات در خانواده روی داد، تضعیف نظام پدرسالاری بود. به طور کلی چنین به نظر می‌رسد که بر اثر این تغییرات از قدرت مرد در خانه کاسته و در مقابل، به قدرت زن افزوده شد. اما به نظر عدّه زیادی از صاحب‌نظران، این گونه داورى‌ها چندان واقع‌بینانه نیست. واقعیات به ویژه در جوامع جهان سوم (یا به اصطلاح معمول جدید، «جنوب») این روند را کاملاً تأیید نمی‌کند.

در جامعه‌شناسی سازمان‌ها، خانواده یک گروه مهم اجتماعی شمرده می‌شود. همچنین، خانواده به دلیل کارکردهای اساسی که در جامعه ایفا می‌کند، نظیر اجتماعی کردن کودکان که نسل آینده جامعه را تشکیل می‌دهند و نیز به دلیل اینکه واحدی اقتصادی در جامعه شمرده می‌شود، نهادی اساسی است که به جهت اهمیتش برای تحقیق قابل توجه به شمار می‌رود. افزون بر این، خانواده نهادی است که در همه جوامع وجود دارد و به این ترتیب، نهادی جهانشمول، قدیمی و بسیار مهم است. از این رو، جای آن دارد که بررسی تغییرات حاصل در آن، مورد توجه خاص قرار گیرد.

یکی از مهم‌ترین موضوعات مورد مطالعه در جامعه‌شناسی، ساختار قدرت در خانواده است. اگر قدرت به عنوان قابلیت تأثیر بر روی دیگران برای انجام خواسته‌های فرد در نظر گرفته شود، (که در فصل اول درباره آن بحث شده است) در این صورت، چنین موضوعی از چند جهت می‌تواند حائز اهمیت باشد و به همین مناسبت، توجه جامعه‌شناسان در مشرب‌های فکری گوناگون را به خود جلب کرده است. از یک منظر، قدرت با تفکیک نقش‌های اجتماعی، گره خورده است. از منظری دیگر، ساختار قدرت در خانواده بر پایه قدرت مافوق مرد پایه‌ریزی شده است و از نظر تعامل‌گرایان، سلطه نسبی مرد از طریق روابطی که همسران نسبت به یکدیگر -به گونه کنش و واکنش- نشان می‌دهند، شکل می‌گیرد (Haavind, 1989). در تعامل روزمره در خانه بین همسران، خواسته مرد (یا زن) به طور ضمنی از اولویت برخوردار است و همان برخوردهای روزمره، ساختاری خاص به

مقدمه ک

قدرت در خانه می‌بخشد. از نظر تضادگرایان، قدرت حتی در خانواده عمدتاً تابعی از اقتدار و کنترل منابع مالی است. در تمامی نگرش‌ها پیرامون قدرت، به موضوع فرودستی زنان که به طور مکرر و به اشکال گوناگون مورد بحث قرار گرفته است، توجه خاص شده است. با این توصیف، این برداشت همان‌طور که برناردز اشاره کرده، فقط بخشی از واقعیت است:

■ نتایج تحقیقات مبین شواهد جدیدی از وجود انواع مختلف ساختار قدرت و آزار در خانواده است. این ادعا به وسیله مشاهدات تأیید شده است. این گفته به معنای آن نیست که مدل‌های ساختاری موجود بی‌اعتبارند؛ بلکه بیشتر بدین معنی است که ضرورت دارد توجه به پیچیدگی‌ها، تنوع مسائل و تنوع ساختارها در خانواده معطوف گردد. به هر روی، تکیه بر ساختارها و مسائل آشنا ممکن است ما را از واقعیات بسیاری منحرف کند (Bernards, 1997; 76).

نیاز به شناخت ساختار قدرت در خانواده در ایران

در ایران از دیرباز ساختار قدرت در خانواده‌ها در اذهان عوام و خواص، با پدرسالاری مرتبط بوده است. اگرچه در این نگاه واقعیتهای تاریخی نهفته است، اما در آن محدودیت‌هایی نیز وجود دارد، از جمله آنکه نظریه حضور ساختار پدرسالاری در جوامع به شکل فعلی آن، اساساً یک نگاه غربی است که در آن سلطه منفی و مستبدانه مرد که بالطبع نگرش منفی نسبت به وجود روابط خانوادگی سنتی در ایران را تقویت می‌کند، امری مفروض تلقی می‌شود. از این رو، بیشتر پژوهش‌هایی که در ایران درباره قدرت در خانواده انجام شده است، با استفاده از الگوهای غربی و به شیوه کمی صورت گرفته و سعی در نمایش چهره نامطلوب نظام پدرسالاری و یا تضعیف نسبی آن در این اواخر داشته است. بدیهی است که هیچ ضرورتی وجود ندارد که تحقیقات بر مبنای پیش‌فرض‌های گذشته انجام شود و نیاز به انجام پژوهش‌های جدید در این زمینه کاملاً احساس می‌شود.

نظر به اینکه قدرت در نهاد خانواده از ارکان اساسی و تعیین کننده چگونگی روابط در آن است و وقایعی که در عرصه خانواده رخ می‌دهد بیانگر بسیاری از نگرش‌های اصلی جامعه است، همچنین با توجه به اینکه شمار زیادی از اندیشمندان حوزه‌های گوناگون علوم اجتماعی بر این باورند که نوع ارتباطات، به ویژه موقعیت فرد در خانواده، از جهت نوع و میزان قدرتی که دارد، از اساسی‌ترین عوامل تعیین کننده چگونگی زندگی فرد در روابط خانوادگی به شمار می‌رود. بنابراین، شناسایی چگونگی توزیع قدرت در خانواده‌ها و

ل ساختار قدرت در خانواده

نگرش‌های مبتنی بر آنها می‌تواند روشنگر بسیاری از مسائل اجتماعی از قبیل اختلافات خانوادگی، فاصله نسل‌ها، تضعیف نهاد خانواده یا حضور الگوهای جدید روابط به جای خانواده و نظایر آن باشد.

با این وصف و به رغم اتخاذ سیاست بی‌طرفی علمی و نداشتن هدف کاربردی در تحقیق حاضر، به طور عمده یکی از انگیزه‌های اصلی تحقیق فعلی بازشناسی این پرسش است که چرا میزان نارضایتی از زندگی خانوادگی در ایران، به ویژه در میان قشر تحصیل‌کرده متوسط شهری، بالا است؟ در واقع این سؤال مطرح است که در کشوری که «خانواده» نهاد اساسی جامعه است و افراد نه تنها قسمت عمده وقت خود را در خانواده و با خانواده می‌گذرانند، بلکه بیشترین وظیفه اجتماعی شدن فرزندان نیز به عهده خانواده است و ارزش‌های اساسی جامعه توسط خانواده حفظ و به نسل بعدی منتقل می‌شود؛ چگونه است که این نهاد اساسی جامعه در معرض تزلزل شدید قرار گرفته و حتی به زعم عده‌ای با بحران روبرو شده است؟

با توجه به آنچه گفته شد، نیاز به آگاهی در این زمینه از ضروریات است، زیرا تا زمانی که نتوان از پس زندگی خانوادگی مطلوب و آموزش فرزندان سالم از نظر جسمی و روانی برآمد، نمی‌توان امید چندانی به بهبود وضعیت در سایر زمینه‌های اجتماعی داشت. به نظر می‌رسد که یکی از دلایل افزایش فروپاشی خانواده‌های ایرانی در سال‌های اخیر، تضعیف روابط سنتی و تغییر کیفیت روابط، به ویژه در روابط قدرت در خانواده است. در این صورت، می‌توان گفت که مطالعه حاضر از بسیاری جهات می‌تواند در شناسایی و حل مسائل مربوط به خانواده‌ها و آسیب‌شناسی آنها در ایران مؤثر افتد.

اما چرا قدرت؟ چرا از میان این همه مطالب و موضوع‌های جالب در زمینه خانواده باید به مطالعه ساختار قدرت روی آورد؟ رابطه قدرت در خانواده از چه حیث می‌تواند در زمینه دغدغه‌هایی که از آن سخن رفت گره‌گشا باشد؟ جواب به این پرسش را باید در ذات قدرت، اهمیت آن در روابط انسان‌ها، از جمله خانواده و همچنین در طبیعت مسائل و مشکلاتی که خانواده‌ها با آن روبه‌رو هستند، جست‌وجو نمود. از طرف دیگر پاسخ‌دهی به این پرسش به تغییرات اجتماعی مربوط می‌شود که در آن بازی قدرت اهمیت خاصی به خود می‌گیرد و ارزش‌های انسانی مبتنی بر فداکاری، عشق به خانواده و احترام به نزدیکان را کمرنگ‌تر می‌کند؛ تا آنجا که شاهد آن هستیم که همسران بر سر عوامل مادی زندگی

مقدمه م

به چه رقابت‌های غیر انسانی تن در می‌دهند؛ رقابت‌هایی که همگی حول محور قدرت یا به عبارت بهتر، پیرامون چگونگی ساختار قدرت در خانواده می‌چرخند. سرانجام، با مطالعه ساختار قدرت می‌توان به چگونگی نگرش‌ها و چند و چون باورهای همگون با آن‌ها و همچنین به نقش و ارتباط نگرش‌ها با آسیب‌های اجتماعی خاص پی برد. از این‌رو، از دیدگاهی کلان‌تر، چنین مطالعه‌ای را می‌توان به نوعی پژوهش در فرهنگ و دگرگونی فرهنگی-اجتماعی نیز به شمار آورد.

اهداف تحقیق و ضرورت آن

با توجه به ملاحظات فوق، هدف اصلی تحقیق حاضر را می‌توان این گونه بیان کرد: شناسایی الگوهای (مدل‌های) ساختار قدرت در خانواده‌های ایرانی. در راستای این مقصد کلی، اهداف فرعی تحقیق عبارتند از:

-مقوله‌بندی انواع ساختارهای قدرت در خانواده‌های ایرانی و شناسایی ویژگی‌های هر سنخ از ساختارها.

-شناسایی چگونگی ارتباط میان همسران و نگرش‌های مؤثر در انواع ساختار قدرت در خانواده‌های ایرانی و همچنین ارتباط بین نوع ساختار قدرت و تمایل خانواده به استحکام و تأمین رضایت طرفین از زندگی مشترک.

-تحلیل یافته‌ها و بررسی انواع ساختارهای قدرت در سطوح مختلف بین‌المللی، ملی (ایران)، نهادی (نهاد خانواده)، گروهی (ارتباط کنشگران) و روانشناختی (شخصیت همسران).

پژوهش حاضر، علی‌الاصول اهداف کاربردی ندارد، با این وجود بر مبنای یافته‌ها و نتایج حاصل، ممکن است به یافته‌هایی در راه بهبود زندگی خانوادگی دست یافت. این امری کاملاً منطقی است، اما به هر تقدیر، استفاده کاربردی مشخص از یافته‌ها، هدف اصلی این تحقیق به شمار نمی‌رود.

الگوهای قدرت و اقتدار بین همسران در طیفی که ممکن است اشکال گوناگون به خود بگیرد، می‌تواند گویای نکات اساسی بسیاری باشد. از آنجا که هر کدام از سنخ‌ها و الگوهای مورد نظر در خانواده‌ها از هنجارهای فرهنگی خاصی (سنتی یا مدرن) تبعیت می‌کند، تنوع الگوهای غالب می‌تواند گویای طیفی از تنوع نگرش‌ها و ارزش‌ها محسوب گردد و نشان دهد که دگرگونی اجتماعی بر اثر تجدد چه آثاری بر خانواده و نگرش‌های

ن ساختار قدرت در خانواده

حاکم بر این نهاد در ایران گذارده است. نوشته حاضر نه تنها در صدد آن است که سنخ‌های ساختار قدرت و الگوهای موجود را شناسایی کند، بلکه به طور ضمنی می‌خواهد نشان دهد که چگونه تنوع ساختارهای مختلف قدرت می‌تواند بیانگر دگرگونی و منشأ تشتت فرهنگی و اجتماعی در جامعه نیز باشد.

با اینکه پیشتر درباره قدرت در خانواده، تحقیقات متعددی صورت گرفته است، اما پژوهش حاضر به دلایلی چند ضروری به نظر می‌رسد، زیرا:

اولاً تحقیق پیش‌روی، با روش کیفی صورت می‌گیرد که با این گونه تحقیقات اکتشافی سنخیت و مناسبت بیشتری دارد. در این روش در پی کسب آرای زنان و مردان خاص یا گروه مشخص نیستیم، بلکه کشف و درک همه ساختارهای قدرت موجود مورد نظر است که در فصل دوم به تفصیل به آنها پرداخته شده است.

ثانیاً نگرش‌ها نیز که از عناصر مهم فرهنگی هستند، مورد مطالعه قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر در این پژوهش، به نوعی خانواده از دید فرهنگ یا فرهنگ خانواده بررسی می‌شود؛ چرا که گمان می‌رود که انواع خاصی از روابط بیشتر مستعد فروپاشی هستند و برعکس. از این‌رو، شناسایی نگرش‌های هم سنخ با آنها می‌تواند حائز اهمیت بوده و در نهایت، به شناخت مسائل فرهنگی و حل مشکلات و اختلافات خانوادگی کمک نماید.

روش تحقیق

همان‌طور که اشاره شد، این تحقیق اساساً مبتنی بر روش تحقیق کیفی است که با مطالعاتی که به دنبال کشف الگوهاست، تناسب بیشتری دارد. ضمناً این بررسی از میان روش‌های کیفی، روش مردم‌نگاری معناشناختی (Ethnosemantics) (اسپردلی و مک‌کوردی، ۱۳۸۶) و نظریه مبنایی (grounded theory method) (استراس و کوربین، ۱۹۹۰ و محمدی، ۱۳۹۰) را مبنای کار قرار داده است. بعضی نکات اساسی این دو روش که در این بررسی مورد توجه است و نیز برخی ملاحظات روش‌شناختی در ذیل ذکر می‌شود، اما مشروح آنها در فصل دوم خواهد آمد.

-از آنجایی که تحقیق حاضر کیفی است و در کل، در چهارچوب نظریه‌های جامعه‌شناختی و روانشناختی اجتماعی میان دامنه نظیر تعامل‌گرایی (Interactionism) صورت می‌گیرد، روش گردآوری اطلاعات عمدتاً به صورت مصاحبه عمیق، مشاهده و تا

مقدمه س

حدی مشاهده مشارکتی است که در صورت لزوم در بعضی موارد از یک راهنمای مصاحبه و مشاهده که حاوی چند سؤال کلی است و راهنمای مصاحبه و نه پرسشنامه نامیده می‌شود نیز استفاده می‌گردد.

-روش نمونه‌گیری به صورت نمونه‌گیری مفهومی است که در روش‌های تحقیق کیفی به کار گرفته می‌شود. بدیهی است که در این روش‌ها جامعه آماری یا نمونه آماری وجود ندارد، بلکه پژوهش حاضر دارای جامعه مورد مطالعه بوده و گردآوری اطلاعات به شیوه نمونه‌گیری مفهومی خواهد بود، بدین معنا که از افراد یا موقعیت‌هایی که در تحقیق حاضر همان خانواده‌های ایرانی مقیم کلان‌شهر تهران است، به صورت ناهمگن و تا حد اشباع نظری نمونه‌گیری صورت خواهد گرفت.

-پس از هر مرحله از گردآوری اطلاعات، به تجزیه و تحلیل (که در شیوه نظریه‌مبنایی و روش‌شناسی معناشناختی در مورد آن توصیه شده) پرداخته می‌شود. بدین ترتیب که اطلاعات حاصل، در گروه تحقیق به بحث گذاشته شده و سپس به عنوان یادداشت نظری ثبت می‌شود. تجزیه و تحلیل تا حد شناسایی مفاهیم و دسته‌بندی کردن آنها، ابتدا در مفاهیم و خرده مقولات و سپس در مقولات ادامه می‌یابد.

-به رغم اینکه اطلاعات در نهایت به صورت میدانی گردآوری می‌شود و با مراجعه به موارد و مصادیق واقعی استوار است، اما همان‌گونه که در بالا نیز اشاره شد، اطلاعات منحصر به اطلاعات مصاحبه‌ای نخواهد بود و سایر منابع اطلاعاتی نیز ممکن است به کار گرفته شود. از جمله دیدگاه‌های افراد مطلع و مجرب خاص نیز می‌تواند به منزله مواد خام اطلاعاتی و همچنین به عنوان کمکی در جهت تبیین، مورد استفاده قرار گیرد. توضیح بیشتر در این باره و سایر موارد روش‌شناختی در فصل سوم خواهد آمد.

-ارتباط دادن یافته‌ها به زمینه‌ها و عناصر فراسازمانی خرد (مانند عوامل فردی و روان‌شناختی اجتماعی) و کلان (مانند عوامل ملی و حتی فراملی) در یک مدل نظری (جهت تلخیص و نمایش بصری یافته‌ها)، از اهداف فرعی پژوهش حاضر با چنین روشی‌هایی است.

در پایان، مجدداً این نکته یادآوری می‌شود که یافته‌های این تحقیق قابل تعمیم به جمعیت خاصی نیست، زیرا بدین منظور طراحی نشده است. تحقیق حاضر درباره شناسایی

ع ساختار قدرت در خانواده

انواع ساختارهای قدرت است و نه شناسایی گروه‌های خاصی با ساختارهای خاص و بدون شک، تحقیقات میدانی و به شیوه کمی در آینده، می‌تواند بر مبنای یافته‌های این تحقیق صورت گیرد و این خواسته را برآورده کند.

سازماندهی مطالب و ارائه یافته‌ها

مطالب کتاب عمدتاً از موضوعات کلی‌تر به جزئی‌تر تنظیم و طبقه‌بندی شده است. کتاب از پنج فصل تشکیل شده است: فصل اول حاوی مطالب مربوط به بررسی متون درباره قدرت است که شامل بحث‌هایی پیرامون قدرت به مفهوم کلی، قدرت در خانواده و بُعد قدرت در خانواده‌های ایرانی است.

فصل دوم به ملاحظات روش‌شناختی و همچنین به سنخ‌های ساختار قدرت منتج از داده‌ها اختصاص دارد.

در فصول سوم و چهارم ساختارهای قدرت ارائه می‌شود. به عبارتی، در فصل سوم ساختار سلطه که عمدتاً شامل افراد ناراضی از زندگی زناشویی است و در فصل چهارم ساختار صمیمی و مشروع که عمدتاً شامل افراد راضی از زندگی زناشویی است، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

فصل نهایی (پنجم) به تجزیه و تحلیل اختصاص دارد که در آن یافته‌های تحقیق به ترتیب در چهار سطح کلان اجتماعی، سطح نهادی ارزش‌ها و نگرش‌ها، سطح گروهی ارتباطات میان فردی و سطح فردی با توجه به ویژگی‌های روانشناختی مورد بررسی قرار گرفته است.

همکاران طرح

کتاب حاضر حاصل طرح تحقیق اینجانب در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی است. در تدوین این اثر همکاران و دوستان بسیاری در پژوهشگاه به بنده کمک کرده‌اند که قدردانی از ایشان بر اینجانب واجب است:

خانم فرشته میرخشتی در مقام همکار اصلی طرح

خانم مژگان کوشا در مقام همکار

خانم معصومه شیرعلیزاده در مقام همکار